

وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی متون درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

یحیی نورمحمدی نجف‌آبادی^۱، مرتضی هنرمند^۲، کیومرث قیصری گودرزی^۳

چکیده

بررسی وضعیت متون آموزشی و آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی در راستای اصلاح، تکمیل، روزآمد و کارآمد کردن آنها، یکی از اقدامات لازم و متداول در نظام‌های آموزشی است. در بررسی و آسیب‌شناسی متون درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم، با روش تحلیل مضمونی داده‌های گردآمده از طریق مصاحبه و کتابخانه‌ای، می‌توان آسیب‌های متعددی را یافت که به دو بخش آسیب‌های عمومی و آسیب‌های اختصاصی قابل تفکیک‌اند. در بخش آسیب‌های عمومی، موارد فراوانی از آسیب‌ها ناظر به اهداف آموزشی، روش آموزشی، محتوای آموزشی، شکل و ظاهر متن آموزشی، ساختار متن آموزشی و جنبه‌های روان‌شناختی، قابل مشاهده‌اند. در بخش آسیب‌های اختصاصی نیز موارد متعددی از اشکالات به چشم می‌خورند؛ همچون: فقدان متنی مناسب به عنوان مدخل و درآمد برای آغاز آموزش فلسفه، انتزاعی و غیرکاربردی بودن، بی‌توجهی به فلسفه‌های مضاف، عدم توجه به آموزش منتقدانه مکاتب و نظام‌های فلسفی غربی، نپرداختن به مباحث معرفت‌شناسی، نقصان برخی سرفصل‌های مهم در برخی کتاب‌های درسی، گرفتار بودن بخش‌هایی از مطالب متون

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول)؛ normohamadi126@gmail.com.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ملایر، ملایر، ایران؛ navust@yahoo.com.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ملایر، ملایر، ایران؛ gheysari86@gmail.com.

فلسفه در بند برخی مباحث منسوخ شده قدیمی، اختلاف در ترتیب مباحث، عدم توجه به تاریخ فلسفه در طرح مباحث، تعارض برخی مباحث فلسفی با آموزه‌های دینی و اختلاط مسائل فلسفی.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، متن درسی، حوزه علمیه قم، آموزش و فلسفه.



مقدمه

یکی از ارکان آموزش در نظام‌های تعلیمی که در ممانعت از هدررفت سرمایه و افزایش بهره‌وری آموزشی و دستیابی به اهداف شناختی و مهارتی و نیز فراهم‌آوری موجبات ایجاد شور و نشاط علمی در دانش‌پژوهان و فراگیران، نقش اساسی ایفا می‌کند، محتوای آموزشی در شکل کتاب‌های درسی و متون آموزشی است. از این رو محتوا و متن آموزشی، همواره بخش قابل توجهی از نظام آموزشی را شکل داده و توجه صاحب‌نظران و محققان نظام‌های آموزشی را به خود معطوف ساخته است (حسن‌مرادی، ۱۳۸۸، پیش‌گفتار).

یکی از وظایف مراکز و نهادهای علمی در قبال کتاب‌های درسی و متون آموزشی، بررسی وضعیت آنها و آسیب‌شناسی، اصلاح و روزآمد کردن آنها است. نظام آموزش حوزه علمیه قم نیز از این قاعده مستثنی نیست و دستیابی به اهداف و مقاصد بلند تعیین شده در آن، بدون در نظر گرفتن متون درسی مناسب و روزآمد با رعایت روش‌های کارآمد در تدوین و نگارش آنها، امکان‌پذیر نیست. لذا ضروری است تا کتاب‌ها و متون درسی در نظام آموزشی حوزه علمیه قم نیز از نظر ویژگی‌های ساختاری و میزان رعایت اصول علمی در طراحی و تدوین آنها از یک طرف و درک اثرات مستقیم و غیرمستقیم محتوا بر ابعاد متفاوت یادگیری شناختی، عاطفی و مهارتی فراگیران از سوی دیگر، با شاخص‌های آموزشی، مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرند و متناسب با شرایط و نیازهای جدید در هر عصر، بازنویسی گردند. یکی از علوم و دانش‌هایی که در نظام آموزش حوزه علمیه قم (اعم از نظام آموزش رسمی یا آزاد موجود در متن حوزه یا مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته و زیرمجموعه حوزه علمیه قم) از جایگاه ویژه و برجسته‌ای برخوردار است، دانش فلسفه است که همانند سایر علوم و دانش‌های حوزوی، متون آموزشی و کتاب‌های درسی آن (اعم از کتاب‌های درسی رسمی یا آزاد در متن حوزه یا در مراکز زیرمجموعه حوزه علمیه قم) همواره نیازمند بررسی، آسیب‌شناسی، اصلاح و تکمیل است.

در این مقاله به دنبال آن هستیم تا وضعیت متون درسی و کتاب‌های آموزشی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم را بررسی و آسیب‌شناسی کنیم تا مقدمه‌ای برای اصلاح و تکمیل آنها فراهم گردد. برای نیل به این مهم، از دو روش گردآوری داده‌ها، یعنی روش کتابخانه‌ای

و مصاحبه با برخی از اساتید و خبرگان در دانش فلسفه بهره خواهیم برد. همچنین در تحلیل و تجزیه داده‌های مصاحبه‌ها، از روش «تحلیل تفسیری» استفاده می‌کنیم و در تحلیل داده‌های به دست آمده از اسناد و مصاحبه‌ها نیز از روش تحلیل‌های مضمونی بهره‌مند خواهیم شد.

براین اساس، در نوشتار حاضر ابتدا گزارش و توصیفی از کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه علمیه قم ارائه خواهیم داد. سپس شاخص‌ها و معیارهای عام متن درسی مطلوب را به صورت اجمالی بیان می‌کنیم و در پایان، به آسیب شناسی کتاب‌های درسی فلسفه می‌پردازیم.

۱. کتاب‌های درسی و متون آموزشی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

بدایه الحکمه

این کتاب مختصر و مفید بنا به درخواست عده‌ای از فضلاء حوزه، توسط مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی در سال ۱۳۹۰ ق به منظور تدریس در حوزه‌های علمیه، به صورت نوشتاری و به زبان عربی تألیف گردید (فیاضی، ۱۳۹۷، ص ۴۹؛ شیروانی، ۱۳۸۳، ص ۱). در کتاب بدایة الحکمه یک دوره از حکمت الهی با روشی استدلالی و برهانی گنجانده شده است. متن کتاب، چکیده فلسفه صدرایی، پیراسته از حشو و زوائد، و متین و استوار است. عبارات این کتاب گرچه موجز است اما مغلق نیست. در عین اختصار، جامع است و مهم‌ترین عناوین و موضوعات و حکمت الهی را دربردارد (طباطبایی، ۱۴۱۹، مقدمه). کتاب بدایه الحکمه هم‌اکنون به عنوان نخستین متن درسی فلسفه در حوزه علمیه است و معمولاً در پایه هفتم تدریس می‌شود (وبگاه معاونت آموزش حوزه، قسمت آیین‌نامه).

برخی از ویژگی‌های کتاب بدایه الحکمه عبارتند از: اکتفا نمودن به اسلوب برهانی، رعایت نظم منطقی در چینش مراحل و فصول، اهتمام به مسائل مهم‌تر و کلیدی و اجتناب از خلط میان علوم اعتباری با علوم حقیقی (شیروانی، ۱۳۸۳، ص ۱).

نهایه الحکمه

علامه طباطبایی ۵ سال پس از کتاب بدایة الحکمه، در سال ۱۳۹۵ ق، کتاب نهایه الحکمه را برای کسانی که با مسائل فلسفه اسلامی آشنایی حاصل کرده و مطالب کتاب

بدایه الحکمه را فراگرفته‌اند، تالیف کرد. از این رو مباحث کتاب نهایه الحکمه، از کتاب بدایه الحکمه مفصل‌تر و در سطحی بالاتر است و اقوال و آراء بیشتری در آن مطرح شده است. همچنین درباره برخی مسائل، مطالب عمیق‌تری ذکر گردیده و به اشکالات نیز پاسخ‌های دقیق‌تری داده شده است (فیاضی، ۱۳۹۷، ص ۵۰).

این کتاب که به زبان عربی است، به عنوان دومین کتاب درسی فلسفه، در پایه‌های نهم و دهم حوزه تدریس می‌شود (وبگاه معاونت آموزش حوزه علمیه قم، قسمت آیین‌نامه). مزایا و ویژگی‌های کتاب نهایه الحکمه در اسلوب برهانی، نظم منطقی، اهتمام به مسائل کلیدی و همانند کتاب بدایه الحکمه است.

شرح منظومه سبزواری

این کتاب نفیس، مهم‌ترین تألیف حکیم متأله ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹ق) است. مرحوم ملاهادی سبزواری از پیروان و منادیان نظام حکمت صدرایی بود و با هدف فراهم‌سازی زمینه و شناخت اولیه منطقی، فلسفی و عرفانی برای ورود و فهم حکمت متعالیه، حکمت و منطق اسلامی را در طول مدت بیش از بیست سال (۱۲۴۰-۱۲۶۱ق) ابتدا با زبردستی و مهارت خاص به صورت منظوم به زبان عربی درآورد و سپس بر آن شرحی نگاشت که حاصل آن، کتاب شرح منظومه است (رضانژاد، ۱۳۷۱، ص ۱۵۳-۱۵۴). البته باید توجه داشت با اینکه کتاب شرح منظومه، دریچه ورود به کتاب اسفار ملاصدرا است، لکن روش ملاهادی سبزواری در نگارش کتاب، در مواردی مطابق با روش ابن سینا است و تا حدودی با روش ملاصدرا تفاوت دارد (عباسی، ۱۳۹۲، ص ۸۵)؛ از جمله: آوردن مباحث مربوط به نفس در بخش طبیعیات یا آوردن بحث حرکت در بخش الهیات بمعنی اعم. مطابق با انگیزه و هدف ملاهادی سبزواری در تألیف کتاب شرح منظومه، سنت حوزه‌های علمیه همواره این بوده که پیش از ورود به آموزش کتاب اسفار و شفا، کتاب شرح منظومه تعلیم می‌شده است. البته در دهه‌های اخیر، کتاب‌های بدایه الحکمه و نهایه الحکمه، در برنامه درسی رسمی حوزه، جایگزین کتاب شرح منظومه شده‌اند و تنها کسانی که با علاقه و اختیار در زمینه فلسفه تحصیل می‌کنند، کتاب شرح منظومه را به صورت غیررسمی می‌خوانند.

الاشارات و التنبيهات

کتاب الاشارات و التنبيهات، تقريباً آخرين اثر فيلسوف برجسته مشائى اسلامى، ابن سينا است. اين کتاب گرانسنگ در موضوعات منطق، طبيعيات، فلسفه و عرفان، از استحکام علمى و برهانى ويژه‌اى برخوردار است و يکى از مهم‌ترين تأليفات فيلسوفان اسلامى در علوم عقلى به شمار مى‌آيد (نکونام، ۱۳۸۵، ص ۱۷)؛ لذا از ديرباز مورد توجه بزرگان علوم عقلى و همه دوستان فلسفه بوده و در شمار يکى از مهم‌ترين متون درسى حوزه‌هاى فلسفى قرار داشته است. اين اثر تا به امروز نيز همچنان جايگاه خويش را در متون فلسفى کلاسيک حفظ کرده است و در برخى مراکز علمى حوزوى، به صورت خصوصى و خارج از برنامه درسى رسمى حوزه تدريس مى‌شود.

برخى از ويژگى‌هاى اين کتاب عبارتند از: جامعيت و زمان تأليف، نشر شيوا و ادبيانه، تبين اصول و مبانى عرفان در فلسفه و استفاده از اصطلاحات جديد براى تعيين فصل‌هاى کتاب (نرم‌افزار مجموعه آثار حکيم بوعلى سينا).

الهيئات شفا

کتاب شفا جامع‌ترين تأليف و اثر فلسفى ابن سينا و به زبان عربى است. اين کتاب ارزشمند به صورت مجموعه‌اى کامل و دقيق در موضوعات الهيئات، طبيعيات، رياضيات و منطق نگارش يافته است (مصباح، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸).

بخش «الهيئات من کتاب الشفا»، عالى‌ترين متن در فلسفه مشائى در دوره اسلامى است. اين کتاب از همان سال تأليف (۴۱۲ ق) تا به امروز، در حوزه‌هاى علمى و دانشگاه‌ها مورد توجه بوده و رواج داشته است (همان، ص ۱۹). البته اين اثر در حال حاضر به صورت غيررسمى و خارج از برنامه درسى رسمى حوزه، توسط علاقمندان به آن خوانده مى‌شود.

الحکمه المتعاليه فى الاسفار الاربعه العقلية (اسفار)

کتاب الحکمه المتعاليه فى الاسفار الاربعه العقلية که الاسفار و الاسفار الاربعه نيز خواننده مى‌شود، يکى از مهم‌ترين آثار فلسفى در فلسفه اسلامى و بزرگ‌ترين کتابى است که توسط حکيم متأله صدر المتألهين شيرازى (۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق) تأليف شده است. ملاصدرا اين

کتاب را در هنگام هجرت به کپک قم و پس از شهود اسرار و دقائق معارف الهی نگاشته است. این کتاب که تبیین‌کننده نظام فلسفی ملاصدرا است، دربرگیرنده امهات مباحث امور عامه و الهیات بالمعنی الاخص و مباحث نفس و معادشناسی و مشتمل بر نقل و نقد و بررسی آراء پیشینیان و رموزی است که مؤلف در دوران تحقیق و مطالعه به آن دست یافته است (ویکی اهل البیت). این اثر، سال‌ها است که به عنوان یکی از متون مهم آموزشی در سطوح عالی حوزه‌های علمیه شیعه تدریس می‌شود. البته تدریس کتاب اسفار، جزو برنامه درسی رسمی حوزه نیست، اما همواره جایگاه رفیع خود را در مراکز علمی برای متخصصین و اهل این فن حفظ کرده و مورد توجه و تدریس قرار داشته است.

آموزش فلسفه

کتاب وزین آموزش فلسفه از تالیفات آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، حاصل مطالعات و تحقیقات در زمینه‌های آموزش فلسفه الهی مرتبط با مسائل اسلامی است که می‌تواند در راه شناخت و تحقیق منطقی معارف الهی، بنیه استدلال و مبانی فکری را تقویت کرده و در حوزه و دانشگاه، تکیه‌گاهی مطمئن و علمی برای دانش‌پژوهان باشد.

مطالب و مباحث این کتاب در ابتدا توسط مؤلف، در مؤسسه در راه حق در قم برای دانش‌پژوهان تدریس می‌شد. در ادامه، برخی شاگردان مؤلف، اقدام به جمع‌آوری و تنظیم درس‌گفتارهای استاد نمودند و در نهایت با قلم شیوا و دقیق استاد، به سبکی متقن و به‌روز و با رعایت الگوهای مناسب کتاب‌های آموزشی، تکمیل و تحریر گردید. آیت الله مصباح در این اثر، علاوه بر ابتکار و نوآوری، با دقت بالا در نظم، چینش و دسته‌بندی مباحث، انتخاب عناوین و واژگان متن و روش نگارش، کتابی دقیق در فلسفه اسلامی به عنوان یک متن آموزشی جدید، روزآمد و جذاب را فراهم ساخت (مصباح، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

نویسنده در مقدمه کتاب، هدف از نگارش کتاب آموزش فلسفه را جبران ضعف‌ها و کاستی‌های متون درسی و کتاب‌های فلسفی رایج در حوزه علمیه، رفع معضلات پدیدآمده از دو گونه برخورد افراط‌آمیز و تفریط‌گرایانه از ناحیه دو طیف طرفدار و مخالف فلسفه و ارائه نگرشی متعادل و عقل‌پسند به دانش بنیادین فلسفه بیان کرده است (همان). کتاب آموزش فلسفه، در سال‌های اخیر، علاوه بر مراکز دانشگاهی، در بعضی از

مراکز و مؤسسات آموزشی حوزوی مانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و مرکز تخصصی فلسفه، به جای کتاب بدایه الحکمه، به عنوان اولین متن درسی در زمینه فلسفه تدریس می شود.

برخی ویژگی ها و امتیازات این کتاب عبارتند از: شیوه کلاسیک و آموزشی منظم؛ شیوه نگارش با قلم زیبا، روان و رسا؛ تعالی بخشیدن به فلسفه از طریق ایجاد روحیه نقادی و نقدپذیری و رفع جانبداری های متعصبانه؛ استحکام و اتقان استدلال ها و براهین ارائه شده در دفاع یا نقد مباحث و آراء فلسفی؛ پرهیز از به کارگیری واژگان و اصطلاحات پیچیده و اشتغال مطالب کتاب بر مباحث جدید فلسفی.

۲. آسیب شناسی متون و کتاب های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

گام نخست در اقدام به اصلاح، تکمیل یا تغییر و جایگزینی کتاب های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم، آسیب شناسی و کشف نقاط ضعف آنها است. بخش قابل توجهی از اشکالات آموزش دانش فلسفه در حوزه علمیه قم به متون درسی آن اختصاص دارد؛ چراکه اغلب متون در حال تدریس در حوزه علمیه، در واقع متن درسی نیست (معلمی، ۱۳۹۹). همچنین زمانی طولانی از عمر کتاب های درسی فعلی و رایج حوزه می گذرد، اما به صورت جدی هیچ گونه تغییر، اصلاح یا جایگزینی در آنها پدید نیامده است (فیاضی، ۱۳۹۹ و امینی نژاد، ۱۳۹۹). باید توجه داشت که در تدوین یا تعیین کتاب درسی، صرفا نباید بر عمیق بودن آن تکیه کرد؛ بلکه ویژگی های کتابی که به عنوان متن درسی تدوین می گردد، با سایر کتاب های علمی، تحقیقی، ترویجی و مروری یا عمومی که در راستای تبیین موضوع یا نظریه ای علمی نوشته می شوند یا مسئله ای عمومی و غیر علمی را بازگو می کنند، تفاوت های بسیاری دارد.

آن نوع از کتاب درسی، کارآمد و اثربخش است و می تواند اهداف نویسنده را تأمین و پیام های او را منتقل گرداند و با انعکاس بازتابی مثبت بر مخاطبان، تحول مناسبی در دیدگاه ها و نظرات آنها ایجاد کند که بر اساس معیارها و شاخص های علمی و اثبات شده، ویژگی های یک کتاب و متن درسی خوب را تا حد قابل قبولی داشته باشد. از این رو پژوهشگران بسیاری به کاوش و بررسی ویژگی ها و مشخصات یک کتاب درسی

خوب و متن آموزشی مناسب پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد بتوان مجموع آنچه از اقسام معیارها و شاخص‌ها درباره کتاب درسی مطلوب گفته شده را در ساختاری جدید و قالبی نو، با تقسیم‌بندی جامع، شامل بخش عمده‌ای از ویژگی‌های یک کتاب درسی، در شش قسم، گردآوری و ارائه کرد که عبارتند از:

۱. شاخص‌های مربوط به اهداف: رعایت تعادل در تأمین اهداف؛ هماهنگی اهداف متن درسی با هویت دینی و ملی خوانندگان؛ هماهنگی اهداف متن درسی با اهداف بالادستی در نظام آموزشی و تناسب اهداف متن درسی با نیازهای محیط اجتماعی.
۲. شاخص‌های مربوط به روش: استفاده از روش فعال؛ تبیین محل نزاع؛ مسئله‌شناسی و شناسایی سوالاتی که قرار است در هریک از قسمت‌های متن به آنها پاسخ داده شود، و آثاری که بحث فلسفی مورد نظر در بحث‌های دیگر دارد و سیر حرکت در تبیین یک مسئله فلسفی، از آسان به سخت.
۳. شاخص‌های مربوط به محتوا: قابل اعتماد بودن؛ تخصصی بودن؛ جامعیت نسبی؛ روزآمدی؛ بهره‌مندی از یافته‌های علمی پیشین؛ صلاحیت پدیدآورندگان و انسجام.
۴. شاخص‌های مربوط به شکل ظاهری: روان و بی‌پیرایه بودن نثر؛ یک دست بودن واژگان و اصطلاحات؛ آراسته و جذاب بودن ظاهر.
۵. شاخص‌های مربوط به ساختار: چیدمان گفتارها؛ بایسته‌های بخش ورودی شامل: مقدمه، معرفی موضوع، تعیین اهداف آموزشی و انتظارات یادگیری؛ بایسته‌های بخش پایانی شامل: فهرست‌ها، چکیده و خلاصه، سؤالات پایانی، پیشنهادهای نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه و بحث و تحقیق پایانی.
۶. شاخص‌های روان‌شناختی: پرهیز از عوامل تنش‌زا؛ پرورش تفکر خلاق؛ تقویت روحیه علمی؛ تقویت روحیه مسئله‌یابی؛ تقویت اعتماد به نفس خواننده؛ تقویت عوامل برانگیزاننده توجه (کارآمد، ۱۳۹۰؛ حسن‌مرادی، ۱۳۸۸؛ لپیونکا، ۱۳۸۵؛ معلمی، ۱۳۹۹ و جزایری، ۱۳۹۶).

در ادامه، با تکیه بر شاخص‌های فوق، به آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی رایج دانش فلسفه در حوزه علمیه قم خواهیم پرداخت. برخی از این آسیب‌ها، به کتاب‌های درسی

دانش فلسفه اختصاص ندارند؛ بلکه از آسیب‌های مشترک غالب کتاب‌های درسی حوزوی، به‌ویژه کتب درسی علوم عقلی هستند، اما برخی نیز به دانش فلسفه اختصاص دارند که به‌صورت جداگانه بیان خواهیم کرد.

۱-۲. آسیب‌های مشترک و عمومی کتاب‌های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم
 باتوجه به اینکه شاخص‌ها و معیارهای ویژگی‌های کتاب درسی مطلوب را در شش قسم تقسیم کردیم، اشکالات مشترک کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه علمیه قم رانیز در همین شش قسم بررسی می‌کنیم. باید توجه داشت که این اشکالات، به غالب یا اکثر کتاب‌های درسی اختصاص دارند نه همه آنها. لذا ممکن است برخی از اشکالات و آسیب‌ها، در بعضی از کتاب‌های درسی یافت نشوند.

۱-۱-۲. آسیب‌های ناظر به اهداف آموزشی

به نظر می‌رسد باتوجه به اینکه از تألیف بسیاری از کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه علمیه قم، سال‌ها و در برخی موارد قرن‌ها می‌گذرد، اهدافی که برای نگارش آنها موردنظر نویسندگان آنها بوده است، مناسب با نیازهای محیط اجتماعی امروز طلاب و فراگیران علوم عقلی در حوزه نیست. امروزه حوزه علمیه، به متن جامعه و زندگی توده‌های مردم ورود پیدا کرده است و باید پاسخگوی نیازها و شئون گوناگون مردم باشد. لذا طلابی که در حوزه علمیه، مشغول به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی هستند باید بتوانند پس از اتمام تحصیل، پاسخگوی نیازهای جامعه در ابعاد مختلف باشند. اما اهداف تعیین شده در متون درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه قم، تا چه میزان ناظر به نیازهای روز جامعه مخاطب طلاب می‌باشند؟ آیا در این اهداف، توانمندسازی طلاب در پاسخگویی به شبهات روز لحاظ شده است؟ آیا مجهزسازی طلاب به سرمایه‌ای علمی که بتوان با آن در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، علوم اجتماعی و سایر امور و دانش‌ها، بنیان‌سازی و اسلامی‌سازی کرد، جزء اهداف تألیف و نگارش این کتاب‌ها بوده است؟ در اهداف نگارش متون درسی رایج، تا چه حد به نیازهای فکری و نظری بازار، کارخانه، دانشگاه، آموزش و پرورش، بیمارستان‌ها، دولت، مجلس و... توجه و نظر شده است؟ قطعاً در

بسیاری از این کتاب‌ها، چنین اهدافی لحاظ نگردیده‌اند؛ چراکه اساساً در چنین شرایطی و برای چنین ایامی و در راستای رفع چنین نیازهایی از جامعه، نگارش نیافته‌اند. بیشتر کتاب‌های رایج، برای مکتب‌خانه‌های جوامع بسته گذشته و دوران خلیفه‌گری یا ملوک‌الطوایفی و پراکندگی جمعیتی که حوزه علمیه و حوزویان نقش زیادی در مسائل کلان اجتماعی و مواجهه با مکاتب و جریان‌های فکری جهانی نداشته‌اند، تألیف شده‌اند. علاوه بر این، امروزه شورای عالی سیاست‌گذاری و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در بخش‌های مختلف تبلیغی، فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی و... سیاست‌ها و اهداف کلانی را برای حوزه‌های علمیه و نظام آموزشی آن تدوین کرده است که در حکم اسناد با اهداف بالادستی برای رشته‌های مختلف علوم حوزوی به شمار می‌آیند. اهدافی که در کتاب‌های درسی رایج فلسفی در حوزه علمیه قم دنبال می‌شوند، تا چه میزان با آن اهداف بالادستی تعیین‌شده، هماهنگ و منطبق‌اند؟ به نظر می‌رسد هماهنگی و انطباق لازم وجود نداشته باشد و اهداف تعیین‌شده در کتاب‌های درسی رایج فلسفه، منطبق با نیازهای روز جامعه و اهداف تدوین‌شده بالادستی نیست؛ درحالی‌که از شرایط بایسته در اهداف یک کتاب درسی مطلوب و استاندارد، هماهنگی و انطباق آنها با اهداف اسناد بالادستی است.

۲-۱-۲. آسیب‌های ناظر به روش آموزشی

روش متداول و غالب در متون درسی فلسفه، مبتنی بر روش قدیمی انفعالی و عمدتاً کتاب‌محور است، نه فعال و دانش‌پژوه‌محور. در بیشتر آثار، نویسندگان کتاب، به آراء و نظریاتی دست یافته و آنها را به همراه فهرستی از آراء و نظریات دیگر اندیشمندان، در کتاب خود ارائه کرده است. خواننده نیز باید این آراء و نظریات را با ادله آنها بخواند و بفهمد. اما در غالب این کتاب‌ها، از روش فعال که خواننده را به گفتگو، فعالیت گروهی، کار و... وامی‌دارد و بخش قابل‌توجهی از فهم مطالب و دسترسی به محتوا را بر عهده تحقیق و فعالیت فکری خود فراگیر می‌گذارد، خبری نیست. ایجاد انگیزه در مخاطبان برای مشارکت در یادگیری با طرح سؤالات تحلیلی و بحث‌برانگیز، تمرین‌های مؤثر و... از نکاتی است که جای آنها در کتاب‌های متداول و رایج فلسفه در حوزه، خالی است. امروزه انواع مختلفی از تمرین وجود دارد که دانش‌پژوهان را به حل مشکلات عملی فرضی یا

واقعی، با استفاده از آگاهی‌های نظری قبلی وامی دارند. می‌توان با قرار دادن یک مجهول یا ابهام در میانه متن یا پایان گفتار یا فصل، خواننده را به تفکر واداشت تا فهم بهتر، عمیق‌تر و بیشتری در آموزش، نصیب او گردد. تمرین‌ها نقش شایسته‌ای در تعمیق فهم خوانندگان (در صورتی که تمرین، تحلیلی باشد) یا تقویت نگاه انتقادی در مبانی، روش، نظریه، گزاره، پیامد، شخصیت و اثر (در صورتی که تمرین، انتقادی باشد) یا کسب شناخت فراتر از متن (در صورتی که تمرین، تطبیقی و مقایسه‌ای باشد) یا فهم مطالب در زندگی واقعی با تطبیق نظریه بر واقع (در صورتی که تمرین، تبیینی باشد)، دارند؛ درحالی که غالب کتاب‌ها و متون آموزشی فلسفه در حوزه علمیه قم از این روش انتقال مطالب، بی‌بهره هستند.

همچنین یکی دیگر از آسیب‌های متون آموزش فلسفه از جهت روش ارائه مطالب این است که در تبیین و بررسی مسائل عقلی، محل نزاع، مسئله‌شناسی، سوالاتی که قرار است در آن مسئله به آنها پاسخ داده شود، و آثاری که این بحث در بحث‌های دیگر دارد، به درستی تبیین نمی‌گردند. به عنوان مثال، در مسئله اصالت وجود یا ماهیت، در ابتدا به درستی تبیین نمی‌شود که نزاع و دعوا بر سر چیست؟ این بحث چه فایده‌ای دارد؟ و تاثیر آن در الهیات یا مباحث نفس یا معرفت‌شناسی چیست؟ لذا خواننده مدت‌ها درگیر یادگیری این مسئله است؛ اما از آنجاکه این نکات را درباره مسئله اصالت وجود یا ماهیت به درستی فهم نکرده، فایده آن را نیز نشناخته است (معلمی، ۱۳۹۹).

آسیب دیگر از جهت روش ارائه مطالب، عدم رعایت سیر مناسب حرکت در تبیین و تقریر مطالب و مسائل عقلی است. در بسیاری از متون درسی فلسفه، به جای اینکه سیر حرکت از آسان به سخت باشد و در یک حرکت مطلوب، ابتدا سوالاتی درباره مسئله مورد بحث طرح شود و سپس با مثال‌های روشن، واضح و آسان، بحث درباره مسئله را آغاز کند و خواننده را آهسته‌آهسته به سمت مطالب عمیق‌تر، پیچیده و سخت‌تر هدایت کند، مطالب و مسائل به صورت پیچیده و سخت مطرح می‌شوند (همان).

۳-۱-۲. آسیب‌های ناظر به محتوای آموزشی

با وجود اینکه فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه و تأسیس آنها، استخراج معارف دین بر اساس نیازهای روز جامعه اسلامی و پاسخگویی به سوالات مردم بوده است، یکی از اشکالات

مهم کتاب‌های درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه قم، به‌روز نبودن و عدم تناسب محتوای آنها با نیازهای روز و سوالات جدید است؛ چراکه نگارش بیشتر این کتاب‌ها به بازه زمانی گذشته بازمی‌گردد. این امر علاوه بر اینکه از جامعیت نسبی این آثار می‌کاهد و استعدادها و توانمندی‌های دانش‌پژوهان در حوزه علمیه را از متن جامعه جدا می‌سازد، آسیب جدی به اعتماد خواننده نسبت به آنها وارد می‌کند و جذابیت آنها را در نظر دانش‌پژوهان کاهش می‌دهد. در عصر ارتباطات که دما دم مباحث نو و موضوعات جدید فکری مطرح و با سرعت در تمام دنیا منتشر می‌گردد، چگونه می‌توان با متن‌های قدیمی با محتواهایی کهن و به دور از تحول و اصلاح و تکمیل، که ناظر به نیازهای فکری گذشته بوده است، انتظار داشت تا دانش‌پژوهانی در حوزه علمیه تربیت شوند که بتوانند اسلام را با زبان روز به دنیا عرضه کنند و ناهنجاری‌های فکری - فرهنگی و تهاجمات بی‌وقفه اندیشه‌های انحرافی و التقاطی را به خوبی بازشناسند و به مبارزه علمی و اثرگذار با آنها برخیزند و در این راه به توفیق دست یابند؟ دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر دنیا هر چند سال یک‌بار، تمام روش‌ها، محتواها و مضامین کتاب‌های درسی و آموزشی خود را بر اساس نیازهای جدید، روزآمد می‌سازند (ذاکری، ۱۳۷۵، ص ۶۲). حال چگونه با کتابی درسی که محتوای آن متعلق به چند قرن قبل است، می‌توان تمام نیازهای امروز جامعه را پاسخ داد؟

استفاده از واژگان و اصطلاحات مبهم و نامأنوس، پیش از روشن‌سازی معنای آنها یا عدم تفکیک مناسب معانی آنها نیز از اشکالاتی است که سبب شده تا دانش‌پژوه را به جای اشتغال به فهم محتوای درس، مشغول به فهم معنای اصطلاحات کند.

البته باید توجه داشت که نقد محتوای کتاب‌های درسی رایج، ناظر به تمامیت محتوای آنها نیست؛ بلکه منظور این است که محتوای کتاب‌های قدیمی، مورد پالایش قرار گیرند و با حفظ مباحث اساسی و اصالت‌های اسلامی و بهره‌بردن از مطالب مفید آنها، این کتاب‌ها روزآمد گردند و متناسب با نیازهای روز جامعه، و لحاظ یافته‌های جدید اندیشمندان، محتوای آنها اصلاح و بازنویسی شود. در این صورت می‌توان با تکیه بر سرمایه‌ها و میراث‌های علمی به‌جای مانده از پیشینیان، با پیشرفت‌های جهانی همگام شد و دانش‌پژوهانی کارآمد و اثرگذار در حوزه تربیت کرد.

۴-۱-۲. آسیب‌های ناظر به شکل و ظاهر متن آموزشی

نثر و زبان نوشتاری کتاب درسی مطلوب باید روان و بی‌پیرایه و خالی از پیچیدگی باشد و مطالب را بدون ابهام و ابهام، به صورت روشن برای مخاطب بیان کند. اما در برخی کتاب‌های قدیمی فلسفه، گویا موجز و مغلق نویسی، یک امتیاز به شمار می‌رفته است و نویسندگان در تلاش بوده‌اند تا مطالب مهم و عمیق عقلی را با کمترین کلمات و در کوتاه‌ترین عبارات به خوانندگان ارائه کنند. لذا از توضیح شایسته مطالب و تطویل بایسته مباحث، اجتناب می‌کرده‌اند. چنین روشی، مناسب کتاب درسی نیست. توان دانش‌پژوه نباید صرف گره‌گشایی از عبارت‌های متن درس و رمزگشایی از پیچیدگی‌های مفهومی اصطلاحات و واژگان آن گردد؛ بلکه عمده نیروی او باید صرف فهم محتوا و مطالب درس شود.

۵-۱-۲. آسیب‌های ناظر به ساختار متن آموزشی

ساختار و شکل فصل‌بندی در کتاب‌های درسی فلسفه یکسان نیست و خواننده در هر کتاب درسی با گونه‌ای از تبویب و چیدمان بخش‌های کتاب مواجه است. این گوناگونی و نایکدستی در تبویب و بخش‌بندی اجزاء کتاب، می‌تواند برای خواننده مشکلاتی را به همراه داشته باشد و مقداری از فرصت و نیروی او را صرف فهم نوع تبویب و چگونگی چیدمان مطالب کتاب گرداند. علاوه بر اینکه در برخی موارد، شیوه مناسبی در تبویب مطالب و مباحث وجود ندارد. یکی دیگر از آسیب‌های برخی کتاب‌های درسی رایج، عدم تنظیم منطقی و نظام‌مند مباحث و مطالب آنها است؛ لذا در بسیاری از آنها، مطالب ارائه شده در یک درس، شوق خواننده را در فراگیری درس بعد برنمی‌انگیزاند.

همچنین غالب کتاب‌های درسی رایج، فاقد مقدمه مناسب هستند. یک کتاب درسی مطلوب باید مقدمه‌ای در ابتدای آن داشته باشد و به معرفی کتاب، اهداف یادگیری، گزارش اجمالی محتوا، بیان ساختار کلی کتاب و توضیح نکات لازم برای اساتید و خوانندگان بپردازد. اما چنین مقدمه‌ای در بیشتر کتاب‌های درسی، به‌ویژه کتاب‌های قدیمی یافت نمی‌شود.

بایسته‌های ورودی هر فصل نیز در اکثر متون درسی رعایت نشده است. مثلاً معرفی موضوع و اهداف هر درس و فصل، بیان انتظارات یادگیری و ... در غالب کتاب‌های

آموزشی حوزه یافت نمی‌شوند. همچنین بایسته‌های پایانی کتاب درسی مطلوب، در غالب متون آموزشی حوزه رعایت نشده است. اکثر این کتاب‌ها فاقد چکیده و خلاصه پایان فصل، سوالات پایانی، پیشنهادهای و نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه و تحقیق و بحث و تحقیق پایانی هستند.

۶-۱-۲. آسیب‌های ناظر به جنبه‌های روان‌شناختی

غالب کتاب‌های درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه، برای گروه سنی خاص با شرایط روحی و روانی معین، و قدرت ذهنی و توان فهم مشخص نگاشته نشده است؛ بلکه نویسنده به دنبال ارائه نظرات و دیدگاه‌های خویش به صاحب‌نظران و محققین در آن دانش بوده است. لذا در نگارش کتاب، میزان فهم و درک خوانندگان در سطوح مختلف سنی مورد توجه قرار نگرفته و لحاظ نگردیده است (ابوالقاسم‌زاده، ۱۳۹۹ و ذاکری، ۱۳۷۵، ص ۶۹). در نتیجه برخی مطالب آنها، برای همه مخاطبین، قابل فهم نیست. عبارات پیچیده و مطالب و موضوعات غیرضروری که برای اهل تحقیق مناسب‌اند، به طور فراوان در متون آموزشی حوزه یافت می‌شوند.

همچنین به روز نبودن محتوای کتاب‌های درسی، عدم رعایت سیر منطقی مباحث، نامناسب بودن ساختار کتاب درسی و بی‌توجهی به برخی ویژگی‌های ظاهری در کتاب‌های قدیمی و سنتی فلسفه، سبب آشفتگی و ناآرامی روانی و به هم ریختگی ذهنی در مخاطبان می‌شوند و بر فرایند انتقال محتوا، آسیب جدی ایجاد می‌کند.

کم‌توجهی به پرورش تفکر خلاق نیز یکی دیگر از آسیب‌ها و اشکالات کتاب‌های درسی علوم عقلی حوزه است. متأسفانه در غالب این کتاب‌ها، از عواملی مانند طرح سؤالات تفکربرانگیز؛ پیشنهاد فعالیت‌های فراتر از محتوای درس؛ طرح موضوعات بحث‌برانگیز که حل آنها مستلزم به‌کارگیری مهارت‌های جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است، خبری نیست. وجود چنین عواملی در کتاب‌های درسی فلسفه، به تقویت و پرورش تفکر نقاد و خلاق در دانش‌پژوه می‌انجامد.

قدیمی بودن و فقدان نظریات علمی جدید در کتاب‌های درسی از یک سو سبب کاهش جذابیت و ایجاد انگیزه در بخشی از خوانندگان و دانش‌پژوهان شده است؛ لذا

شوق و شور و انگیزه فراگیری را از آنها سلب کرده است (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۵۵). از سوی دیگر، در برخی افراد که علاقمند به متون قدیمی و کهن هستند، سبب بسته شدن ذهن آنها با نظریات و آراء قدما گردیده است؛ به گونه ای که با نظریات و اندیشه های جدید، با بی مهری برخورد می کنند و نوعی هراس و موضع گیری منفی نسبت به نوآوری های اندیشمندان جدید در آنها وجود دارد.

۲-۲. آسیب های اختصاصی کتاب های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

۱-۲-۲. فقدان متنی مناسب به عنوان مدخل و درآمد برای آغاز آموزش فلسفه

در برنامه رایج آموزش فلسفه در حوزه، اولین کتابی که طلاب برای ورود به دانش فلسفه آموزش می بینند، کتاب بدایه الحکمه است، لکن این کتاب درعین حال که با هدف متن ابتدایی برای آموزش فلسفه تألیف شده (فیاضی، ۱۳۹۹)، اما واقعیت آن است که این اثر، ابتدای فلسفه و حکمت نیست؛ بلکه میانه کار است (معلمی، ۱۳۹۹). در برخی مراکز و مدارس نیز کتاب آموزش فلسفه در ابتدا خوانده می شود، درحالی که کتاب آموزش فلسفه نیز به عنوان کتاب فلسفی ابتدایی مناسب نیست؛ زیرا اگرچه سعی شده تا در ده درس اول آن، پیش درآمد ورود و ابتدا به فلسفه را جبران کند، اما سه درس اول آن که به بیان تاریخی از فلسفه غرب و اسلام پرداخته، بسیار مختصر بوده و زمان زیادی نیاز است تا استاد بتواند این سه درس را توضیح دهد. علاوه بر اینکه این کتاب، یک کتاب سهل ممتنع است؛ یعنی اگرچه به فارسی و روان نوشته شده است، اما حاوی نکات دقیق و عمیق بسیاری است. البته از درس چهارم تا دهم، برای ورود به فلسفه، خیلی عالی است (همان).

در کتاب درسی ابتدایی فلسفه باید به این مسائل پرداخته شود: تعریف، معنا، جایگاه، ضرورت، هدف، تاریخ، چیستی و چرایی فلسفه، و نیز نقش فلسفه و علوم عقلی در علوم اسلامی و حوزوی و فقاها و همچنین نسبت فلسفه و علوم عقلی با فهم دین و آیات و روایات. در نهایت نیز به شبهاتی که درباره فلسفه و علوم عقلی وجود دارد، پاسخ داده شود تا انگیزش و احساس نیاز به فلسفه از سوی طلاب صورت گیرد و این فهم برای آنها حاصل شود که فلسفه و علوم عقلی چیست و چرا باید فلسفه را فراگرفت؟

(معلمی، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۲-۲. انتزاعی و غیرکاربردی بودن

بخش زیادی از مباحث و مطالب فلسفی که در متون و کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه علمیه قم آموزش داده می‌شود، انتزاعی و غیرکاربردی است. در غالب این متون، تلاش چندانی برای ارتباط بحث‌های فلسفی به امتدادات اجتماعی و سبک زندگی نشده است؛ درحالی‌که اگر یک ساختار کلان از علوم فلسفی و اجتماعی که با نظام دین و ساحت‌های مختلف آن و نیز با سایر نظامات معرفتی و سبک زندگی فردی و اجتماعی افراد مرتبط باشد، ارائه می‌شد، اقبال طلاب به فلسفه و علوم عقلی نیز افزایش می‌یافت (محمدی، ۱۳۹۹).

قوام مسائل و مباحث فلسفی، به معقولات ثانیه فلسفی است؛ مفاهیمی مانند علت، معلول، وحدت، کثرت، امکان، وجوب و ... که مابازاء عینی مستقل در خارج ندارند و عروضشان در ذهن و اتصافشان خارجی است. این مفاهیم که از نحوه وجود اشیاء حکایت می‌کنند، بدون مقایسه و کندوکاو ذهنی و تحلیل عقلی حاصل نمی‌شوند؛ لذا مفاهیمی عقلی با حیثی انتزاعی می‌باشند. ازاین‌رو انتزاعی بودن، یک ویژگی ناگستنی از مباحث فلسفی به شمار می‌آید.

بااین‌حال، می‌توان رویکردی ناظر به نیازها در ارائه مباحث فلسفی داشت و ناظر به سایر علوم و نیز مسائل زندگی بشر، آنها را کاربردی کرد؛ یعنی در ارائه مباحث و مسائل فلسفی، صرفاً بر مباحث انتزاعی هستی‌شناختی تکیه نکرد، بلکه اثر و کاربرد آنها در سایر امور و علوم از قبیل امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... نیز مورد توجه باشد و نتایج مباحث انتزاعی فلسفی در بنیان‌سازی و حل معضلات و مشکلات بنیادین مباحث سایر علوم نیز به کار گرفته شوند؛ رویکردی که در آثار فیلسوفان مسلمان اولیه مانند فارابی و ابن‌سینا به خوبی قابل مشاهده است. این فیلسوفان به تبیین مباحث انتزاعی هستی‌شناختی صرف بسنده نکردند، بلکه آنها را به حوزه‌های دیگری مانند اخلاق، سیاست و ... توسعه دادند و از بطن آن مباحث، نظام‌های فکری مانند فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی اسلامی را تدوین نمودند و کارکردهای مباحث انتزاعی فلسفه اسلامی را در امور اجتماعی و مباحث اخلاقی تبیین کردند.

امروزه نیز حوزه‌های علمیه باید پاسخگوی مسائل علمی در علوم انسانی، اعم از علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست، اخلاق، علوم تربیتی، مدیریت، روان‌شناسی و ... باشند؛ لذا به شدت به کاربردی کردن فلسفه اسلامی و وارد کردن آن در این علوم برای دستیابی به فلسفه‌های مضاف و اسلامی‌سازی آنها نیازمند است. باید توجه شود فلسفه‌ای که صرفاً به مباحث انتزاعی بپردازد و از کاربردی کردن و گره زدن آنها به سایر علوم یا امور و شئون زندگی انسان بازماند، اعتبار و وجاهت خود را از دست خواهد داد و سرانجامی جز حذف و انزوا و کنار گذاشته شدن در انتظار او نخواهد بود.

۳-۲-۲. بی‌توجهی به فلسفه‌های مضاف

باتوجه به جایگاه و نقشی که امروزه حوزه‌های علمیه باید در اداره جامعه ایفا کنند، مجهز بودن به نظام‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و ... از ضروریات طلاب و حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم به عنوان خاستگاه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. بدیهی است که نظام‌های علمی و فکری‌ای که برای اداره جامعه و نظام اسلامی مورد نیاز است، نظام‌هایی است که بر پایه بنیادها و مبانی نظری اندیشه اسلامی بنا نهاده شده باشند. اینجاست که فلسفه اسلامی به عنوان دانشی که بنیادها و مبانی نظری سایر علوم و نظام‌های معرفتی را بر پایه اندیشه اسلامی سامان می‌بخشد، به میدان می‌آید و با تاسیس فلسفه‌های علوم (فلسفه‌های مضاف)، نقش خود را در بنیان‌سازی و اسلامی‌سازی علوم و توانمندسازی حوزه‌های علمیه در پاسخ به نیازها و ضرورت‌های اداره جامعه ایفا می‌کند (معلمی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹). اما آنچه از آن اثری در متون درسی و کتاب‌های آموزشی حوزه علمیه قم یافت نمی‌شود، فلسفه‌های مضاف است. این نقصیه، راه را برای میدان‌داری مکاتب فلسفی و نظام‌های فکری رقیب و بیگانه از اسلام گشوده و آثار و تبعات بی‌شمار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را برای جامعه اسلامی به همراه داشته است (جعفری، ۱۳۹۶).

۴-۲-۲. عدم توجه به آموزش منتقدانه مکاتب و نظام‌های فلسفی غربی

امروزه بزرگ‌ترین چالش و مهم‌ترین رقیب برای اندیشه و فرهنگ و تمدن غنی و ناب

اسلامی، تمدن و فرهنگ لیبرال سرمایه‌داری غربی است؛ تمدن، فرهنگ و اندیشه‌ای که کاملاً بر پایه مکاتب فکری و نظام‌های فلسفی غربی استوار است و با تمام وجود و امکانات خود، به مقابله و ستیز با تمدن و فرهنگ اسلامی برخاسته از اندیشه اسلامی، به میدان آمده است. بسیاری از شبهات و سؤالات جدید و مباحث مطرح در کلام جدید، ریشه در همین افکار و اندیشه‌ها در فلسفه غرب دارند.

حال این سؤال مطرح است که آیا حوزه علمیه قم به عنوان پاسدار حریم تمدن و اندیشه اسلامی، بدون آشنایی منتقدانه با مکاتب فلسفی غرب می‌تواند به حمله‌های فکری و تقابل‌های فرهنگی و شبهات اعتقادی و ... تمدن غربی پاسخ دهد؟ آیا بدون شناخت نقاط ضعف و کاستی‌های اندیشه متفکران غرب می‌توان آن را به چالش کشید و از اندیشه ناب اسلامی دفاع کرد؟ قطعاً بدون آشنایی از کم و کیف ضعف و قوت اندیشه رقیب، پیروزی بر آن ناممکن است. بنابراین آموزش همراه با نقد و آسیب‌شناسی فلسفه غرب، جزء ضروریات متون درسی فلسفه است؛ درحالی‌که جای آن در نظام آموزشی علوم عقلی حوزه علمیه قم خالی است و از آسیب‌ها و نقاط ضعف کتاب‌های درسی حوزه علمیه قم به شمار می‌آید (معلمی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۵-۲-۲. نپرداختن به مباحث معرفت‌شناسی

غالب مباحث و مسائل فلسفه غرب در سده‌های اخیر، معطوف به مباحث معرفت‌شناسی است. در این میان، مکاتب، آراء و اندیشه‌های فراوانی پدید آمده‌اند که آثار و پیامدهای آنها صرفاً محدود به حوزه هستی‌شناسی فلسفی نمی‌شود؛ بلکه مباحث الهیات بمعنی الاخص، کلام، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و ... را نیز متأثر از خویش نموده‌اند. امروزه بسیاری از شبهات و جریان‌های فکری انحرافی و اندیشه‌های غلط، ریشه در آراء و نظریات معرفت‌شناسی دارند. نمی‌توان اثربخشی مباحث و مسائلی مانند هرمنوتیک فلسفی، پلورلیسم، تعدد قرائت‌ها، تعارض علم و عقل با دین و ... از مباحث معرفت‌شناسی را نادیده گرفت. لذا ورود به این مباحث و حل معضلات آنها، بدون آشنایی و تسلط بر مباحث معرفت‌شناسی و شناخت منتقدانه آراء و نظریات گوناگون در این دانش و مجهز بودن به نظریات و دیدگاه‌های صحیح معرفت‌شناختی، امکان‌پذیر نیست.

بنابراین یکی از ضروریات آموزش علوم عقلی، پرداختن به مباحث معرفت‌شناسی است؛ درحالی‌که جای مباحث معرفت‌شناسی در کتاب‌های آموزشی فلسفه حوزه علمیه قم خالی است. در این میان، فقط ده درس از کتاب آموزش فلسفه، تالیف آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله به مباحث معرفت‌شناسی پرداخته است. صرف‌نظر از برخی اشکالاتی که به بخش مباحث معرفت‌شناسی کتاب آموزش فلسفه وارد است (مانند کوتاه بودن یا نیازمندی به به‌روزرسانی شدن)، این کتاب جزء متون اصلی درسی در نظام رسمی آموزشی حوزه نیست و بیشتر در مراکز و مؤسسات آموزشی زیرمجموعه حوزه علمیه تدریس می‌شود (معلمی، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۶-۲-۲. نقصان برخی سرفصل‌های مهم در برخی کتاب‌های درسی

برخی کتاب‌های درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه قم، فاقد برخی سرفصل‌های مهم و مؤثر در علوم عقلی هستند. مثلاً کتاب‌های بدایه الحکمه، نهایه الحکمه و آموزش فلسفه، فاقد بخش علم النفس فلسفی می‌باشند (امینی‌نژاد، ۱۳۹۹)؛ درحالی‌که مباحث علم النفس فلسفی، جزء مهم‌ترین بخش‌های فلسفه به شمار می‌آیند و دستاوردهای آن، تأثیرات قابل‌توجهی بر مباحث انسان‌شناسی، روان‌شناسی، معادشناسی و حتی خداشناسی دارند. بحث دیگری که جای آن در کتاب‌های درسی فلسفه اسلامی خالی است، حکمت عملی است. بخش قابل‌توجهی از مطالب در تألیفات و آثار قدما، به حکمت عملی اختصاص دارد؛ درحالی‌که این دست از مباحث، در کتاب‌های رایج درسی حوزه علمیه قم وجود ندارند؛ مباحثی که کمک شایانی به کاربردی شدن فلسفه می‌کند و از انتزاعی محض بودن آن می‌کاهد (همان).

۷-۲-۲. گرفتار بودن بخش‌هایی از مطالب متون فلسفه در بند برخی مباحث منسوخ‌شده قدیمی

در گذشته، برخی از مباحث و مطالب در فلسفه وجود داشت که امروزه بطلان آنها روشن شده است، اما هنوز سایه آنها بر سر برخی مباحث فلسفی باقی است و حضور خود را به صورت پنهان و نیمه‌پنهان در متون درسی فلسفی نیز حفظ کرده‌اند. مثلاً بحث از عقول ده‌گانه مشائی، یا مقولات عشره و امثال این مباحث که ریشه در طبیعیات و کیهان‌شناسی

قدیم دارند، هنوز در متون درسی فلسفی رایج حوزه حضور دارند؛ درحالی‌که مبانی این نظریات، باطل و منسوخ شده و نظریات جدیدتری جای آنها را گرفته‌اند.

۸- ۲- ۲. اختلاف در ترتیب مباحث

ترتیب علمی مباحث در کتاب‌های درسی فلسفه حوزه علمیه قم، یکدست و مشابه نیستند؛ بلکه دچار اختلاف در رویه می‌باشند. این امر، به تنظیم منطقی و ساختارمند مباحث در ذهن خواننده و دانش‌پژوه فلسفه، آسیب وارد می‌سازد.

۹- ۲- ۲. عدم توجه به تاریخ فلسفه در طرح مباحث

هریک از مسائل و موضوعات فلسفی، از ابتدای پیدایش تا به امروز، سیری تاریخی همراه با تطوراتی را در بستر فلسفه طی کرده‌اند. دغدغه‌ها و سؤالاتی که سبب طرح و پیدایش آن مسئله گردیده؛ مبانی و قواعدی که باعث ایجاد دیدگاه‌های گوناگون درباره آن مسئله شده؛ نقدها و اشکالاتی که در دوره‌های مختلف توسط فیلسوفان متعدد به مسئله و دیدگاه‌های آن مطرح شده؛ چالش‌هایی که در طول تاریخ فلسفه بر سر راه مسئله پدید آمده و تغییراتی که در مبانی، اصول، تبیین‌ها و ادله و فروعات مسئله شده است و... تاریخچه‌ای را برای مسئله در فلسفه پدید می‌آورد. آگاهی از این تاریخچه و سیر تطوری که مسئله فلسفی طی کرده است، فضای ذهنی دانش‌پژوه فلسفه را نسبت به مسئله بازتر می‌کند و به او کمک قابل توجهی در تجزیه و تحلیل و فهم مسئله فلسفی خواهد کرد. در نتیجه، در تعیین موضع او در پذیرش یا رد مسئله اثر می‌گذارد و توان تشخیص او را بالاتر می‌برد. مثلاً دانستن اینکه دغدغه اولیه برای طرح ثبات و عدم حرکت در عقول و مجردات، اعتباربخشی به یک دسته از شناخت‌های بشر و اثبات ثبات و عدم دگرگونی در این شناخت‌ها از طریق ثبات متعلق آنها (عقول و مجردات و مثل) بوده است، و در ادامه، آگاهی از سیری که این مسئله تا به امروز در بستر فلسفه طی کرده است و اصول و مبانی و ادله‌ای که سایر فیلسوفان در این زمینه مطرح ساخته‌اند، به دانش‌پژوه این امکان را می‌دهد تا در مواجهه با نظریه حرکت در مجردات، به گونه‌ای منطقی‌تر با نظریه برخورد نماید و قدرت بیشتری در تحلیل و تجزیه مسئله داشته باشد و موضع مناسب‌تری در پذیرش یا رد آن اتخاذ کند.

متأسفانه در کتاب‌های درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه قم، تاریخ مباحث و مسائل فلسفه، مورد توجه جدی قرار نگرفته و فقط در کتاب آموزش فلسفه به صورت خیلی مختصر و کوتاه، اشاره‌ای کلی و اجمالی به تاریخ خود فلسفه و ادوار آن در غرب و اسلام شده است (معلمی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۱۰- ۲- ۲. تعارض برخی مباحث فلسفی با آموزه‌های دینی

فیلسوفان مسلمان در طول تاریخ حیات فلسفه در جهان اسلام تلاش بسیاری کرده‌اند تا در کنار آزاداندیشی در بررسی و حل مسائل فلسفی، آراء و نظریاتی در فلسفه ارائه کنند که با مبانی، اصول و اندیشه‌های مطوی در بطن آموزه‌های قطعی اسلامی، تعارض و چالش نداشته باشند؛ تلاشی که تا حدود زیادی با موفقیت همراه بوده است و امروزه نه تنها فلسفه با متون نقلی در رقابت نیست، بلکه در خدمت تبیین و دفاع از معارف برآمده از متون دینی است. با این وجود، برخی مسائل فلسفی و طیفی از دیدگاه‌ها در مباحث فلسفی که در متون درسی فلسفی نیز حضور دارند، با آموزه‌ها و معارف اسلامی در چالش هستند؛ مثلاً مسئله معاد جسمانی یا تقدم حدوث نفس بر بدن در عالم ذر. وجود این تعارضات و چالش‌ها سبب پدید آمدن مشکلاتی برای تدریس و تحصیل فلسفه در حوزه علمیه قم گردیده است. از یک سو بهانه‌ای برای مخالفت با تدریس فلسفه در دست برخی افراد و گروه‌ها قرار گرفته؛ و از سوی دیگر، عاملی برای سلب اعتماد برخی افراد از فلسفه و کنار کشیدن آنها از یادگیری و تحصیل آن شده است. لذا باید برای رفع این چالش‌ها و حل مسائل فلسفی با مبانی، اصول و روش فلسفی تلاش جدی صورت پذیرد؛ به گونه‌ای که با آموزه‌ها و معارف قطعی اسلامی در تعارض نباشند.

۱۱- ۲- ۲. اختلاط مسائل فلسفی

یکی از اشکالات متون درسی فلسفی در حوزه، اختلاط مسائل و مباحث فلسفه در آنها است. مثلاً مباحث معرفت‌شناختی با مباحث هستی‌شناختی به خوبی از یکدیگر تمییز و جداسازی نشده‌اند و میان آنها یک نحو اختلاط و درهم‌ریختگی مشاهده می‌شود؛ مانند بحث اصالت وجود که در اثبات آن، ابتدا مسئله بدهاوت وجود مطرح

می‌شود (معرفت‌شناختی)، سپس به اشتراک لفظی بودن مفهوم وجود اشاره می‌گردد (معرفت‌شناختی) و در پایان، اصالت وجود نتیجه گرفته می‌شود (هستی‌شناختی).

نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی‌هایی که صورت گرفت، این نکته به خوبی روشن گردید که آسیب‌های متعدد و قابل توجهی در متون درسی و کتاب‌های آموزشی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم وجود دارند که سبب پدید آمدن اشکالات اساسی در فرایند آموزش فلسفه در حوزه گردیده است. این موضوع، مسئله بازنگری و اصلاح متون درسی فلسفه در حوزه علمیه قم را ضروری می‌نماید. پیشنهاد می‌شود برای تدوین متون جدید یا بازنگری در متون درسی فلسفه، کارگروهی از کارشناسان فلسفه شکل بگیرد که همواره بر کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه، نظارت داشته باشند و از طریق ارتباط و تعامل با اساتید و خبرگان در این دانش، نظرات ایشان را کسب نمایند و همواره در پی به‌روزرسانی و اصلاح و تکمیل و یا تدوین متون درسی فلسفه در حوزه علمیه قم باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. ابوالقاسم زاده، مجید (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.
۲. امینی نژاد، علی (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.
۳. جزایری، حمید (۱۳۹۶ش)، مصاحبه با حجت الاسلام سید حمید جزایری؛ مدیر تدوین متون حوزه علمیه، منتشرشده در وبگاه: <http://ijtihadnet.ir>.
۴. جعفری هرنیدی، محمد (۱۳۹۶ش)، مصاحبه با حجت الاسلام جعفری؛ قائم مقام گروه کلام و فلسفه دین موسسه امام خمینی (ع). منتشرشده در وبگاه: <https://www.mehrnews.com>.
۵. حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۸ش)، تحلیل محتوای کتاب درسی، تهران: آبیژ.
۶. ذاکری، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، «نگرشی به متون آموزشی حوزه»، حوزه، ش ۳۵، ص ۶۲.
۷. رضائزاد (نوشین)، غلامحسین (۱۳۷۱ش)، حکیم سبزواری (زندگی، آثار و فلسفه)، تهران: انتشارات سنائی.
۸. وبگاه معاونت آموزش حوزه علمیه قم، قسمت آیین نامه: <http://howzeh-qom.ir>؛ ۱۳۹۹/۷/۲۵.
۹. وبگاه ویکی اهل البیت: <http://wiki.ahlolbait.com>؛ ۱۳۹۸/۱۱/۲۳.
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶ش)، «مهم ترین اصول در بازنگری نظام آموزشی»، پیام حوزه، ش ۱۳، آذر و دی، ص ۵۵.
۱۱. شیروانی، علی (۱۳۸۳ش)، ترجمه و شرح بدایه الحکمه (ج ۱)، تهران: انتشارات الزهرا.
۱۲. طباطبایی. محمد حسین (۱۴۱۹ق)، بدایه الحکمه، مقدمه: عباسعلی زارعی سبزواری، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. عباسی حسین آبادی. حسن (۱۳۹۲ش)، «بررسی امکان نوصدرایی بودن اندیشه ملاهادی سبزواری»، حکمت صدرایی. دوره ۲، ش ۱، پیاپی ۳، پاییز و زمستان، ص ۸۵ - ۹۸.
۱۴. فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۷ش)، تقریر درس های بدایه الحکمه، تقریر: جمال سروش، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۱۵. فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.
۱۶. کارآمد، حسین (۱۳۹۰ش)، در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

۱۷. لیونکا، مری آلن (۱۳۸۵ش)، نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی، ترجمه زیر نظر: فریبرز مجیدی، تهران: سمت.
۱۸. محمدی، عبدالله (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸ش)، آموزش فلسفه (ج ۱)، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۰. _____ (۱۳۸۲ش)، شرح الهیات شفا (ج ۱)، تحقیق: محمدباقر ملکیان، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۱. معلمی، حسن (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.
۲۲. نرم‌افزار مجموعه آثار حکیم بوعلی سینا ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۳. نکونام، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، مقامات عارفان: شرح تفصیلی و گسترده دو نمط نهم و دهم الاشارات و التنبیهات، قم: ظهور شفق.

